

## پیک اسلام در سرزمین خاطره‌ها

« حبشه »

سرزمین حبشه در آخر افریقای شرقی قرار گرفته و وسعت خاک آن ۱۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع ، و پایتخت فعلی آن شهر « آدیس بابا » است .

شرقیان بیش از یک قرن قبل از اسلام با این سرزمین آشنا شده بودند ، و این آشنائی بر اثر حمله ارتش ایران در دوران شهر باری انوشیروان آغاز گردید ، و با مهاجرت مسلمانان از مکه به حبشه تکمیل شد .

روزی که پیامبر اکرم تصمیم گرفت شش تن از مأموران زبده و دلاور خود را بعنوان سفیر ابلاغ نبوت جهانی ، به نقاط دور بفرستد ، « عمرو بن امیه » را مأمور ساخت ، که با نامه‌ای رهسپار حبشه گردد ، و پیام او را بسمع « نجاشی » زمامدار دادگر آن سرزمین برساند ، نامه‌زیر نخستین نامه‌ای نیست که پیامبر اسلام به زمامدار حبشه نوشته است ، بلکه پیش از این نامه ، نامه‌ای درباره مهاجران مسلمان نوشته و آنهارا توصیه کرده و ازو نجاشی ، خواست که عنایات خاص خود را در حق آنان می‌ذول دارد و متن این نامه در تواریخ اسلامی موجود است (۱) و گاهی میان این دو نامه ( نامه‌ای که بعنوان ابلاغ رسالت جهانی نوشته شده و نامه‌ای که برای توصیه مهاجران نگارش یافته ) اشتباه رخ میدهد و عبارات هر دو نامه بهم آمیخته میشود .

روزی که پیامبر سفیر خود را همراه نامه‌ای رهسپار کشور حبشه ساخت ، هنوز دسته‌ای از مسلمانان مهاجر در آنجا بسر می‌بردند ، ولی گروهی به مدینه باز گشته بودند ، و از رعیت پروری و داد گستری آن زمامدار بزرگ تعریفها و توصیفها می‌نمودند ، بنا بر این سرزمین حبشه برای مسلمانانی که از آنجا مراجعت نموده بودند ، سرزمین خاطره‌ها بود ، و زمامدار آنجا را بسان یک رهبر داد گسترش می‌کردند ، اگر ما ، در نامه پیامبر اکرم که به زمامدار آنجا نوشته ، یک نوع انعطاف و نوازش و نرمی در سخن مشاهده کنیم ، برای اینست که روحیات زمامدار آنجا برای پیامبر مشخص و روشن بود .

و در نامه‌های دیگر زمامداران وقت را با عقوبت الهی تهدید میکرد ، و میفرمود :

اگر ایمان نیاورید گناه ملتها که از ترس شما ایمان نیاورند ، برگردن شما است ، ولی در این نامه از این گفتار خبری نیست .

### اینک متن نامه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ اِلَى النَّجَاشِیِّ مَلِكِ الْحَبَشَةِ  
 سَلَامٌ عَلَیْكَ فَاِنِیْ اَحْمَدُ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمَنُ  
 الْمُهَيَّبُ مِنْ ؛ وَ اَشْهَدُ اَنْ عِیْسَى بْنِ مَرْیَمَ رُوْحَ اللّٰهِ وَ كَلِمَتَهُ اَلْقَاها اِلَى مَرْیَمَ الْبِتُوْلِ  
 الطَّیْبَةِ الْحَصِیْنَةِ فَحَمَلَتْ بَعِیْسَى ؛ حَمَلْتَهُ مِنْ رُوْحِهِ وَ نَفَخَهُ كَمَا خَلَقَ اَدَمَ بِيَدِهِ ،  
 وَ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ اِلَى اللّٰهِ وَ حُدَّةٍ لَا شَرِیْكَ لَهُ وَ اَلْمَوَالِیةَ عَلٰی طَاعَتِهِ ؛ وَ اَنْ تَتَّبِعَنِیْ وَ  
 تُوَقِّنَ بِالَّذِیْ جِئْتُنِیْ ، فَاِنِّیْ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ وَ جُنُوْدَكَ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ .  
 وَ قَدْ بَلَغْتَ وَ نَصَحْتَ فَاقْبَلُوْا نَصِیْحَتِیْ وَ اِسْلَامِیْ عَلٰی مَنْ اَتَّبَعَ الْهَدٰی ( سیره حلبی ۳  
 ص ۲۷۹ )

**ترجمه نامه :** بنام خداوند بخشنده مهربان : نامه ایست از محمد رسول خدا به نجاشی  
 زمامدار حبشه ، درود بر شما من خدائی را که جز او خدائی نیست ستایش میکنم ، خدائی که از  
 عیب و نقص منزّه است ، و بندگان فرمانبردار او از خشم او در امانند ، و بحال بندگان ناظر و  
 گواه است .

گواهی میدهم که عیسی فرزند مریم ، روحی است از جانب خدا و کلمه ایست که در رحم مریم  
 زاهد و پاکدامن قرار گرفته است ، خداوند با همان قدرت و نیروئی که آدم را بدون  
 پدر و مادر آفرید او را نیز بدون پدر در رحم مادرش بوجود آورد .  
 من ترا بسوی خدای یگانه که شریک ندارد دعوت میکنم ، دعوت میکنم که همیشه مطیع و  
 فرمانبردار او باشید ، و از آئین من پیروی نمائید ، ایمان بخدائی آورید که مرا بر سالت خود  
 مبعوث فرمود .

زمامدار حبشه آگاه باشد که من پیامبر خدا هستم ، من شما و تمام لشکریان تا آنرا بسوی  
 خدای عزیز دعوت میکنم ، و من بوسیله این نامه و اعزام سفیر بوظیفه خطیری که بر عهده  
 داشتم عمل کردم و ترا پندواند در زدادم ، درود بر پیروان هدایت .  
**خصوصیات نامه** - پیامبر نامه را با درود اسلامی که همان سلام علیک میباشد ، آغاز  
 کرده ولی در نامه های دیگر درود شخصی به کسی و قیصر و مقوقس زمامداران ایران و روم و  
 مصر ، نفرستاده ، بلکه نامه را با یک درود کلی (سلام بر پیروان هدایت) آغاز کرده است .  
 ولی در این نامه شخصاً به زمامدار حبشه سلام فرستاده و از این طریق برتری خاصی  
 نسبت بسائر زمامداران معاصر قائل شده است .  
 در این نامه یک سلسله صفات برجسته خداوند که همگی از نزاهت و عظمت او حاکی است ،

اشاره شده ، سپس موضوع «الوهیت» (خدا بودن مسیح) را که زائیده افکار منحنط کلیسا است ، مطرح کرده و با برهان مخصوصی که از قرآن الهام گرفته شده ، آن را رد کرده و موضوع حضرت عیسی را که بدون پدر متولد گردیده با مقایسه به تولد حضرت آدم ، توضیح داده و اثبات کرده که اگر پدر نداشتن دلیل بر خدا بودن و یا فرزندوی بوده باشد ، آدم ابوالبشر نیز چنین بوده . در صورتی که درباره وی چنین عقیده ای ندارید .

در پایان نامه دعوت خود را بلباس پندواندرد در آورده و از این طریق از ابراز شخصیت و بزرگی خودداری شده است .

### سفیر پیامبر باز مامدار حبشه به گفتگو میپردازد .

سفیر اسلام پس از طی تشریقاتی بحضور زمامدار حبشه باریافت ، و با چنین گفت : من وظیفه دارم که پیام رهبر خود را برسانم ، و سرشت پاک شما نیز داوری ، میکند که به اعتراض من بذل عنایت فرمائید .

ای زمامدار دادگر - حبشه !! دلسوزیهای شما در باره مسلمانان مهاجر ، فراموش شدنی نیست و این عواطف آنچنان باعث خرسندی ما گردیده که شمارا از خود میدانیم ، و آنچنان بشما اعتماد و اطمینان داریم که گویا از یاران شما هستیم .

کتاب آسمانی شما انجیل گواه محکم و غیر مردود است ، این کتاب ، دادرس داد -

گریست که ستم نمی کند و این داو را عادل صریحاً به نبوت پیامبر اسلام گواهی می دهد اگر از این فرستاده جهانی و پیامبر خاتم پیروی نمودید به خیر بزرگی نائل خواهید آمد ، و در غیر اینصورت مثل شما مثل یهود خواهد بود ، که آئین مسیح را که ناسخ آئین «کلیم» بود ، نپذیرفته و بردین منسوخ باقی ماندند و آئین اسلام بسان آئین مسیح ، ناسخ و بیک معنی تکمیل کننده ، ادیان آسمانی پیش است .

زمامدار دادگر حبشه به سفیر پیامبر اسلام چنین گفت :

من گواهی میدهم که او همان پیامبر است که جهان اهل کتاب در انتظار او هستند ، و عقیده دارم که همانطوریکه حضرت موسی از نبوت حضرت مسیح خبر داده ، او (مسیح) نیز علائم و نشانه های پیامبر آخر الزمان را معین کرده است ، من حاضر ، نبوت ویرا برای عموم مردم اعلام کنم ، ولی از آنجا که فعلاً زمینه آماده نیست ، و کمک من کم است ، باید زمینه را آماده ساخت ، تا دلها بسوی اسلام متوجه گردد اگر برای من امکان داشت ، الان بسوی پیامبران میشتافتم (۱) سپس نامه ای در پاسخ نامه پیامبر نوشته اینکه متن نامه ویرا منعکس میسازیم .

(۱) سیره حلبی ۳، ۲۷۹، طبقات ۱ ص ۲۵۹

### نامه نجاشی به پیامبر

بنام خداوند بخشنده مهربان ، نامه‌ایست بسوی محمد رسول خدا از نجاشی ، درود کسی که جز او خدائی نیست ، درود کسی که مرا باسلام هدایت نمود ، بر شما باد ، نامه‌ها در پیرامون نبوت و بشریت حضرت عیسی زیارت گردید ، بخدای زمین و آسمان سوگند آنچه بیان نموده بودید ، عین حقیقت و سرسوزن من با این عقیده اختلاف ندارم ، و من نیز به حقیقت آئین شما آگاهی یافته‌م و در باره مسلمانان مهاجر ، تا آنجا که مقتضیات ایجاب میکرد ، خدمات لازم بعمل آمد ، و من اکنون بوسیله این نامه گواهی میدهم که شما فرستاده خدا و شخص راستگو که کتابهای آسمانی او را تصدیق میکنند . میباشید ، و من در حضور پسر عموی شما (جعفر بن ابیطالب) مراسم اسلام و ایمان و بیعت را انجام دادم .

و من برای ابلاغ پیام و اسلام خود فرزندم « راره‌ها » رهسپار محضر مقدستان کرده و صریحاً اعلام میدارم که من جز خود ، ضامن کسی نیستم ، و اگر دستور فرمائید خودم رهسپار خدمت پر فیضان شوم: درود بر شما ای رسول خدا ( طبری ۱ ص ۲۹۴ ، بحار جلد ۶ ص ۳۹۹ )

نجاشی هدایای مخصوصی برای پیامبر اکرم فرستاد و پیامبر هم دو نامه دیگر به نجاشی فرستاده که در شماره آینده به بیان آن و تأثیر نامه‌های آن حضرت در آن محیط خواهیم پرداخت

(بقیه از صفحه ۶۷)

سرمایه داری غلط است ثلاثتوسعه سم جانگداز هر وئین بیش از هر عامل زیر سر کسانی است که از تجارت قاچاق بین المللی این سم مهلك بمیلیاردها دلارولیره بچیپ میزنند .

در مسئله قمار نیز بخوبی مشاهده میکنیم که چگونه همین دو عامل خطرناک یعنی تفسیر غلط آزادی و سرمایه داری منهای اخلاق آتش-آنها دامن میزنند ، در همین گزارش میخوانیم که مؤسسات متعددی در انگلستان تنها هدفشان اختراع و کشف طرق تازه‌ای برای قمار زدن مردم است این مسئله مطرح نیست که قمار چه عواقب سوء اقتصادی و اخلاقی و روانی دارد، فقط این مطرح است که چگونه میتوان از راه اختراع وسائل تازه تری برای قمار ، پول بدست آورد!

آئین آسمانی ما اسلام ، آزادی را از بی بندوباری و بی تفاوتی اخلاقی ، درهمه شئون جدا کرده و آنچنان سرمایه داری را نیز محکوم ساخته ، و در یک جامعه اسلامی بهیچ مجوزی بچنین بلاها و انحرافات اخلاقی میدان داده نمیشود و حکومت اسلامی وظیفه دارد ریشه این انحرافات را با تمام کوشش بسوزاند .